

# هشدار می‌شود که شنیده نشود، بدیهیاتی که دیده نمی‌شود

محمد جواد سمیعی

می‌شود، این حس را القا می‌کند که ما در شرایط نسبتاً خوبی هستیم و دیدن رد پای چالش‌های پدیده بخش آب، با زحمت زیاد ممکن می‌شود.

سرفصل مهم دیگر آنکه ظرفیت‌های ایجاد شده نظیر زحمات ۳ سال اخیر برای تدوین برنامه‌هایی با عنوان برنامه‌های ملی و استانی سازگاری با کم‌آبی و تعیین اهداف کاهش برداشت‌ها و... و پیش از آن، رویکردهای طرح تعادل بخشی (که البته گویا توسط برخی از دست‌اندرکاران کلیدی حرکت قانون جدید، متأسفانه طرحی شکست خورده، اعلام شده) یکسره نادیده گرفته شده و موضوع نجات آبخوان‌ها، باز هم با ادبیاتی جدید و همراه با پیچیدگی‌های نهادهای کاملاً جدیدی مطرح شده است. با اینرسی حاکم بر بدنه حاکمیتی، این تغییر چندین باره طرح‌ها و برنامه‌ها برای کاهش برداشت از آبخوان‌ها، باز تا چند سال کارهای حتی با تأثیر کم را به عقب انداخته و به حاشیه خواهد راند؟

موضوع بدیهی دیگری که در این متن لحاظ نشده، آن است که در تعریف اختیارات که عمدتاً معطوف به وزارت نیرو است (از جمله در تخصیص‌ها، صدور پروانه‌ها و...) به این واقعیت توجه نشده که مگر با همین رویکرد و تمرکز اختیارات نبوده که این حجم از مشکلات و چالش‌ها ایجاد شده؟ آیا قرار است که در بر همان پاشنه بچرخد؟ یا تکالیفی برای شاید هزارمین بار، مورد تصریح قرار گرفته که تمام تأکیدها و ضرب‌الاجل‌های قبلی در مورد آن‌ها به در بسته خورده است، شاید واضح‌ترین آن، بحث ضرب‌الاجل ۶ ماهه تدوین الگوی کشت باشد که برای کارشناسان دست‌اندرکار، سابقه موضوع ناشناخته نیست. همین‌طور است بحث شفافیت داده‌ها و اطلاعات که به جای انگشت‌گذاشتن بر روی کاستی‌های اساسی، صرفاً به تأکید و نیز تأسیس یک نهاد اکتفا شده است.

از منظری دیگر، درحالی‌که مسئولیت حفظ، نگهداری، تخصیص، مدیریت و... همگی در بخش حاکمیتی متمرکز است، اما پاسخگو بودن و نیز جرایم و تنبیهات، صرفاً متوجه طرف مقابل است. هیچ ردپایی از این نیست که اگر یک مدیر محلی، استانی و ملی، بدهی ما به منابع آب را سنگین‌تر کرد یا آمار ادعایی نامستند ارائه کند یا جرایم دریافتی را به جای تعادل بخشی صرف امور جاری کرد، مستوجب چه جریمه‌ای است؟! منبع: روزنامه اعتماد (با تلخیص)

نیز حفظ جنبه‌های مثبت ریخته شود. چه بسا در این تحلیل مشخص شود که یک بخش، مثلاً جنبه‌های حقوقی کار، اصلاً نیازی به تغییر ندارند. در رابطه با قانون آب، گویا به جز یک سری کلیات مبهم، متنی یا تحلیلی برای لزوم و دلایل این تغییر نداریم و این امر، قضاوت نهایی برای تحلیل متن جدید را بسیار دشوار می‌کند. آیا این متن، گره مشکلات آبی پرعمق و گسترده را باز می‌کند یا آن‌ها را پیچیده‌تر و کورتر می‌کند؟

برخی از چالش‌های اساسی آب، دقیقاً از همین جنس نادیده گرفتن چیزهای روشن و بدیهی است. برای نمونه در موضوع برخورد با چاه‌های غیرمجاز، که برخی آمارهای غیررسمی حکایت از آن دارند که به ازای هر انسداد حتی بیشتر از آن، چاه جدید حفر شده است، یک مسئله مهم اما روشن مدت‌هاست نادیده گرفته می‌شود: موضوع معیشت جایگزین. در نمونه‌ای دیگر درحالی‌که اغلب اسناد بالادستی و پژوهش‌های ملی و بین‌المللی می‌گویند که آگاهی بخشی و ارتقای سواد آبی، یکی از قطعات مهم پازل نجات آب است، اما در این عرصه عمدتاً مایلیم به تأکید یا اقدامات نمایشی و نه عمقی اکتفا کنیم. این در حالی است که هزینه‌های این بخش به هیچ وجه قابل مقایسه با فرضاً احداث یک سازه آبی نیست. ذکر این دو نمونه از این جهت بود که تصور نکنیم امور لزوماً پیچیده، دست و پای حرکت به سوی نجات آب را بسته است، دقیقاً در بسیاری موارد برعکس است.

وجه واضح دیگری که در تدوین پیش‌نویس قانون جدید آب نادیده گرفته شده، شرایط خاص و به شدت بحرانی آب و به‌طور ویژه آب‌های زیرزمینی است. با مرور مواد این قانون از جمله جرایم مندرج در ماده ۵۴ تناسبی با شدت بدهی ما به آبخوان‌ها (نزدیک به ۱۴۰ میلیارد مترمکعب کسری مخزن تجمعی) دیده نمی‌شود یا در بخش آب‌های سطحی و حریم و بسترها، وجه کسب درآمد به مراتب پررنگ‌تر است تا اقداماتی که به ایمن‌سازی برای مواجهه با سیلاب‌هایی نظیر آنچه در دو سال اخیر شاهدش بودیم. خواندن متن پیش‌نویس قانون جدید آب که تقریباً ۴۰ سال بعد از تصویب قانون توزیع عادلانه آب تنظیم

پس از مدت‌ها که زمزمه‌های تغییر قانون آب شنیده می‌شد، بالاخره در چند ماه اخیر موضوع به صورت علنی‌تر و جدی‌تر در وزارت نیرو کلید خورد. ابتدا متنی با عنوان پیش‌نویس نهم قانون جامع آب منتشر شده و در معرض بحث قرار گرفت، متنی که با عدم انسجام‌ها و مشکلات جدی که داشت به سرعت از دستور کار خارج شد و در ادامه، دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفای وزارت با دعوت از دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران با همکاری مشاوران آن دفتر، تنظیم متن جدیدی را دنبال کرد. ضرب‌الاجلی کوتاهی برای دریافت نظرات تعیین شد و وزیر نیرو نیز مکرراً اعلام کرد مصراست در همین دولت با طرح در هیات وزیران به مجلس ارائه شود. البته در همین اثنا متنی نیز از سوی دفتر حقوقی شرکت مدیریت منابع آب ایران به عنوان اصلاحات قانون توزیع عادلانه آب منتشر شد که چندان مشخص نیست چه نسبتی با متنی که به سمت مجلس خواهد رفت دارد.

این اقدام برای تغییر قانون یک هشدار کلیدی را نشنیده و چندین موضوع بدیهی را نادیده گرفته است. هشدار مهمی که شنیده نشده آن است که از یک سو زمانه حرکت به سوی این تغییر قانونی، متناسب با ماه‌های آغازین مجلس جدید با مختصاتی که کم‌وبیش با آن آشناییم و همزمان ماه‌های پایانی دولت، متناسب نیست و از سویی دیگر زمین این تغییر شامل شرایط جامعه، وضعیت اقتصاد، اوضاع منابع آبی و محیط زیستی کشور که در سال‌های اخیر و مشخصاً یک سال اخیر تورمی شدید، تلاطم‌هایی جدی و نوسان‌هایی اساسی را شاهد بوده مناسب نیست. نشنیدن این هشدار می‌تواند نتیجه نهایی به‌عنوان قانون جدید را فرسنگ‌ها با آنچه شعار و هدف این کار اعلام شده (ماده ۱ متن پیش‌نویس همچنین پیوست مربوط به رویکرد و دکترین حاکم بر آن) دورتر و متفاوت‌تر کند.

اما بدیهیاتی نیز در تنظیم پیش‌نویس قانون جدید آب دیده نشده است. به‌طور نمونه، بدیهی است که در اقدام به یک تغییر اساسی ابتدا نیاز است مشخص شود که چه مشکلی در سازوکارها و نتایج فعلی وجود دارد، سپس طرحی نو برای رفع کاستی‌ها و